

تبیین سیستمی رهنمودهای مقام معظم رهبری در خصوص جهاد اقتصادی

نویسنده: مهدی احمدی^۱

تاریخ دریافت: ۹۰/۴/۱

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۰/۶/۲۰

فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال پانزدهم، شماره ۵۵، تابستان ۱۳۹۱

چکیده

مقام معظم رهبری به عنوان عالی‌ترین مدیر نظام جمهوری اسلامی ایران، به منظور راهبری و مدیریت کلان کشور، به صورت عمده از دو روش رسمی و ابلاغی و نیز روش غیر رسمی و گفتمان‌سازی استفاده می‌کنند. یکی از شیوه‌های مورد استفاده ایشان در گفتمان‌سازی، تعیین شعار سال است؛ بدین صورت که ابتدای هر سال شمسی، موضوعی را به عنوان شعار سال برای تعیین رویکرد کلان کشور در آن سال، انتخاب و اعلام می‌فرمایند. بر همین اساس، سال ۱۳۹۰ از سوی ایشان سال «جهاد اقتصادی» نامگذاری شد. به منظور عمل در این راستا و کمک به تحقق آن، ضروری است زوایا و جوانب مختلف این موضوع تبیین شود. واضح است که بهترین منبع برای شناخت این موضوع، بیانات و رهنمودهای رهبر معظم انقلاب در این خصوص است که در زمانها و مکانهای مختلف و در مجامع گوناگون به فراخور بحث بدان پرداخته‌اند.

روش کار، استفاده از روش تبیین سیستمی رهنمودهای معظم له در خصوص جهاد اقتصادی است؛ چرا که فرض پایه‌ای این نوشتار این است که بیانات ایشان در خصوص جهاد اقتصادی را می‌توان به عنوان یک سیستم پویا و کامل در نظر گرفت که علاوه بر دارا بودن تمامی بخشها و اجزای یک سیستم، دارای تعاملات و تأثیر و تأثرهای مهم و فراوان با سیستم‌های دیگر است. به همین منظور، مطالب بیان شده ذیل عناوین و اجزای سیستم پیشنهادی جهاد اقتصادی در قالب ورودی‌ها، خروجی‌ها، فرایند پردازش و عمل، شاخصه بازخوردگیری و محیط سیستم جهاد اقتصادی ارائه شده است.

واژگان کلیدی:

جهاد اقتصادی، رویکرد سیستمی، سیستم جهاد اقتصادی.



مقام معظم رهبری به عنوان عالی‌ترین مدیر نظام جمهوری اسلامی ایران، به منظور راهبری و مدیریت کلان کشور، به صورت عمده از دو روش رسمی و ابلاغی و نیز روش غیر رسمی و گفتمان‌سازی استفاده می‌کنند. یکی از شیوه‌هایی مورد استفاده ایشان در گفتمان‌سازی، تعیین شعار سال است؛ بدین صورت که ابتدای هر سال شمسی، موضوعی را به عنوان شعار سال برای تعیین رویکرد کلان کشور در آن سال انتخاب و اعلام می‌فرمایند. بر همین اساس، سال ۱۳۹۰ از سوی ایشان سال «جهاد اقتصادی» نامگذاری شد.

طرح شعار سال، علاوه بر گفتمان‌سازی و تجمیع امکانات و توانایی‌های کشور در یک راستا، برای مسئولان و متولیان اجرایی، وظیفه و تکلیف جدیدی ایجاد می‌کند که بایستی در راستای تحقق آن وارد عمل شوند. واضح است که قبل از اقدام به عمل، بایستی ابعاد، زوایا و جوانب جهاد اقتصادی به درستی و به شیوه‌ای کارآمد توضیح داده و تبیین شود. در همین راستا، بهترین منبع شناخت و درک موضوع جهاد اقتصادی، رهنمودها و بیانات مقام معظم رهبری است که در این خصوص به فراخور موضوعات و مباحث روز در طی سال بدان پرداخته و اشاره کرده‌اند. لذا پایه و اساس این مقاله، رهنمودهای معظم له در خصوص جهاد اقتصادی خواهد بود.

روش کار، استفاده از رویکرد سیستمی و روش تبیین سیستمی است. دلیل استفاده از این روش در توضیح و تبیین رهنمودهای رهبر معظم انقلاب در خصوص جهاد اقتصادی این است که: اولاً، از آنجا که جهاد اقتصادی به عنوان یک پدیده اجتماعی مطرح است و در خصوص پدیده‌های اجتماعی به دلیل پیچیدگی و تعامل زیادی که با پدیده‌های مجاور خود دارند، نمی‌توان از روش مرسوم؛ یعنی تحلیل (تقسیم موضوع و مفهوم مورد مطالعه به مؤلفه‌ها، مؤلفه‌ها به ابعاد، ابعاد به عناصر و عناصر به شاخصه‌ها) استفاده کرد؛ چرا که این روش، مهم‌ترین مطالب در پدیده‌های اجتماعی؛ یعنی تعامل و تأثیرات متقابل پدیده‌های اجتماعی را نادیده نمی‌گیرد. ثانیاً، نظرات مقام معظم رهبری پیش از آنکه به عنوان نظرات رهبر جامعه اسلامی مطرح باشد، به عنوان دیدگاه‌های یک اسلام‌شناس خبره و مسلط بر مبانی و روش اجتهادی اسلام مطرح است. بنابر این، به تبع آموزه‌های اسلامی، نظرات ایشان از جامعیت و دقت در مسائل مختلف ریز و درشت برخوردار است. چنانچه بخواهیم در خصوص تبیین رهنمودهای ایشان در خصوص موضوعی خاص همانند جهاد اقتصادی اقدام کنیم، روش مرسوم؛ یعنی تحلیل مطالب، نمی‌تواند



همه زوایا و جوانب نظرات ایشان را در نظر بگیرد. لذا فرض بر این خواهد بود که بیانات ایشان در خصوص جهاد اقتصادی به عنوان یک سیستم در کنار سیستمهای دیگر، به عنوان زیرمجموعه‌های دیدگاه کلی ایشان در خصوص اداره جامعه بر اساس مبانی و آموزه‌های اسلام است.^۱

بنابر این، فرض پایه‌ای این نوشتار این است که بیانات ایشان را می‌توان به عنوان یک سیستم کامل در نظر گرفت که ضمن دارا بودن تمامی بخشها و اجزای آن، دارای تعاملات و تأثیر و تأثرهای مهم و فراوان با سیستم‌های دیگر است. به همین منظور، سعی خواهد شد مطالب بیان شده ذیل عناوین و اجزای سیستم پیشنهادی جهاد اقتصادی در قالب ورودی‌ها، خروجی‌ها، فرایند پردازش، شاخصه بازخوردگیری و محیط سیستم جهاد اقتصادی ارائه شود تا در نهایت، این مطالب به ترسیم یک سیستم پویا و کامل در خصوص جهاد اقتصادی و از این راستا در شناخت هر چه بهتر شعار جهاد اقتصادی و به تبع آن در تحقق آن کمک کند.

مفهوم‌شناسی

مفهوم لغوی و اصطلاحی جهاد

راغب اصفهانی در کتاب مفردات، جهاد را این‌گونه ترجمه می‌کند: «جهد و جهد؛ یعنی طاقت و نیرو و مشقت و سختی. گفته شده: جهد؛ یعنی مشقت و سختی و جهد؛ یعنی کوشش گسترده و وسیع به اندازه طاقت» (خسروی حسینی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۴۲۴-۴۲۳). معنایی که از کلمه جهاد به ذهن متبادر می‌شود نیز همان مفهومی است که از ریشه آن بر می‌آید؛ یعنی سعی و تلاشی که دارای مشقت و سختی و نیازمند به نیرو و طاقتی درخور آن فعالیت‌هایی که قرار است انجام گیرد.

کلمه «جهاد» از ریشه جهد به معنای پایمردی و جدیت در کار، طاقت و توان، کوشیدن، زحمت طاقت‌فرسا و... آمده است. کلمه «مجاهد» هم یعنی رزمجو و مبارزی که خود را به سختی می‌افکند و به تبع آن، جهاد یعنی کوشش کردن، کوشیدن به اندازه طاقت (فرهنگ فارسی عمید، واژه جهاد). کوشش توأم با رنج، تلاش در کار با آنچه در توان باشد (فرهنگ معارف و معاریف، واژه جهاد). جهاد در لغت، مفهومی خنثی است و جهت مثبت و منفی آن را صبغه و جهت حرکت فرد تلاشگر مشخص می‌کند.

جهاد در احادیث به معنای اصطلاحی به کار رفته، نه به معنی لغوی آن. جهاد

۱. اثبات می‌شود که رهنمودهای مقام معظم رهبری در خصوص بسیاری از موضوعات اجتماعی به مثابه یک سیستم پویا و کامل با همه اجزا و ارتباطات ضروری و مورد نیاز است.



اصطلاحی به معنی کوشش برای کسب رضایت خداوند در هر زمینه‌ای است. در اکثر موارد، کاربرد کلمه جهاد در احادیث و روایات ائمه معصومین (ع) با کلمه «فی سبیل الله / در راه خدا» همراه است. این همراهی، دلالت بر مفهوم ویژه‌ای دارد که دو مطلب از آن برداشت می‌شود:

الف) عمومیت و عام بودن جهاد؛ که هرگونه فعالیت، تلاش و مبارزه را در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اخلاقی، فرهنگی و اقتصادی و با هر وسیله‌ای اعم از جان و مال و زبان و فکر و قلم شامل می‌شود.

ب) هدف و انگیزه اصلی از جهاد، تقرب الی الله است؛ در واقع، رکن فاعلی جهاد، نیت و انگیزه الهی آن است و از این جهت است که جهاد، یکی از فروع دین شمرده شده و عبادت تلقی می‌شود.

بنابر این، هرگونه تلاش و کوششی در آموزه‌های اسلامی در مفهوم جهاد، مقابله با مانع و تلاش جدی در رفع آن، مستتر است. بر خلاف برخی از مفاهیم دیگر اسلامی همانند هجرت، تقوا و... که مفهوم مبارزه و رویارویی در آنها مطرح نیست. به عنوان مثال، مفهوم هجرت به یک معنا، دور زدن مانع و خارج شدن از دسترس دشمنان را با خود به همراه دارد. لازم به ذکر است که هر یک از آموزه‌های اسلامی با توجه به شرایط و توانمندی مسلمانان بر آنها واجب می‌شود. لذا امر به جهاد و مبارزه، زمانی است که حداقل توانمندی در مسلمانان و جامعه اسلامی وجود داشته باشد؛ بر خلاف هجرت که زمانی بر مسلمانان واجب است که توان لازم برای مقابله و رویارویی با دشمنان را ندارند و در این صورت، دستور الهی بر هجرت و مهاجرت آنان است تا زمانی که بتوانند قدرت و امکانات لازم برای دفاع از خود و دینشان را در مقابله با دشمنان داشته باشند. ضمن اینکه دستور صریح قرآن کریم، بر تلاش برای مهیا کردن اسباب و لوازم و توان مقابله با دشمنان است: «و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه...» (انفال، آیه ۶۰)؛ هر آنچه از نیرو و توان می‌توانید جهت مقابله با دشمنان فراهم آورید.

مقام شهادت، بالاترین هدفی است که در میدان نظامی در دنیا و عقبی معرفتی می‌شود. امیرالمؤمنین علی (ع) در ضمن روایتی، از رابطه تنگاتنگ بین این هدف والای جهاد نظامی و جهاد اخلاقی سخن می‌گویند. ایشان می‌فرمایند: «إِنَّ الْمُجَاهِدَ نَفْسُهُ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ وَ عَنِ مَعَاصِيهِ عِنْدَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ بِمَنْزِلِهِ بَرُّ شَهِيدٍ»؛ کسی که با نفسش در راه اطاعت و دوری کردن از معاصی خداوند متعال مبارزه کند، در نزد خداوند به مانند نیکوکاری شهید است. (میزان الحکمه، ج ۲، ص ۵۹۵)



شهید ثانی در مورد اقسام جهاد نظامی می‌فرماید: جهاد بر چهار قسم است؛ یک قسم آن، جهاد ابتدایی مسلمانان با مشرکان با انگیزه دعوت آنان به اسلام است. قسم دوم، جهاد با جمعیت کفّاری است که قصد حمله به مسلمین را دارند؛ به گونه‌ای که ترس تسلط آنان بر شهرهای مسلمانان باشد. قسم سوم، جهاد با کسی است که قصد کشتن انسان محترمی یا قصد گرفتن مال یا اسیر کردن ناموس محترمی را دارد. قسم چهارم، جنگ با گروهی است که علیه امام معصوم (ع) خروج کرده‌اند. (شهید ثانی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۱۱)

انواع جهاد از حیث مراتب و موضوعات مختلف

- جهاد از جمله مفاهیم و آموزه‌هایی است که به دلیل عمومیت و گستردگی آن از حیث مراتب و موضوعات متعلق به آن، به انواع مختلفی تقسیم می‌شود که عبارتند از:
- از حیث موضوع تعلق جهاد، به جهاد نظامی، جهاد سیاسی، جهاد علمی، جهاد اقتصادی و
 - از حیث ماهیت دشمن و اینکه با چه دشمنی بایستی به مبارزه و مقابله پرداخته شود، به جهاد اکبر (جهاد با نفس) و جهاد اصغر (جهاد با غیر نفس).
 - به لحاظ اینکه دفاع در مقابل هجوم دشمن است یا ابتدا به ساکن و به فرمان امام معصوم (ع) در راستای از میان برداشتن موانع آزادی اندیشه و کرامت انسانها باشد، به دو نوع جهاد دفاعی و جهاد ابتدایی تقسیم می‌شود.
 - از حیث وجوب بر افراد، به دو دسته واجب عینی و کفای تقسیم می‌شود. در صورتی که افراد به تعداد مورد نیاز برای انجام جهاد مهیا و حاضر باشند، نسبت به بقیه افراد واجب کفایی و در غیر این صورت، واجب عینی بر همگان خواهد بود.
 - و بالاخره از حیث ابزار مورد استفاده در مقابله با دشمن، به جهاد با دست، جهاد زبانی و جهاد قلبی تقسیم می‌شود.
- گفتنی است که هر جهادی با توجه شرایط خاص خود، می‌تواند تمامی دسته‌بندی‌های ذکر شده را داشته باشد. به عنوان مثال، موضوع مقاله حاضر که جهاد اقتصادی است، جهادی است که در وهله اول واجب عینی بر همگان و در زمره جهادهای اصغر است که با تمامی ابزارهای زبان، دست و قلب در دفاع از جامعه اسلامی (جهاد دفاعی) در عرصه اقتصادی باید صورت پذیرد.



جهاد در قرآن کریم

گفته شد که کلمه جهاد از ریشه جهد است. این ریشه در قرآن کریم ۴۱ بار و در ۳۶ آیه استفاده شده است. شش مورد در معنای منفی و ۳۵ مورد در معنای اصطلاحی جهاد. کاربردهای منفی ریشه جهد در آیات قرآن کریم عبارتند از: دو بار درباره تلاش پدر و مادر مشرک برای مشرک نمودن فرزند(عنکبوت، آیه ۸؛ لقمان، آیه ۱۵) و چهار بار در معنای قسم شدید منافقان برای گمراه کردن مؤمنین(نحل، آیه ۳۸؛ نور، آیه ۵۳؛ مائده آیه ۵۳؛ فاطر، آیه ۴۲). تقریباً تمامی معانی مثبت به کار رفته ریشه جهد در آیات قرآن، خطاب به رسول گرامی اسلام(ص) و مؤمنان بوده یا در توصیف مؤمنان مجاهد و برتری آنان نسبت به دیگران است. در این آیات، وعده قطعی الهی بر هدایت کسانی است که در راه او مجاهده می‌کنند.^۱ در عین حال، جهاد مایه آزمایش و ابتلای مؤمنان و تشخیص صابران است.^۲ خداوند تبارک و تعالی، جهاد در راه دین خود را همانند تقوای الهی، وسیله رستگاری مؤمنان می‌داند^۳ و در نهایت به مؤمنان یادآور می‌شود که فایده اصلی جهاد، برای خود مؤمنان است و خداوند از همه عالمیان بی‌نیاز است.^۴ در آیات دیگر قرآن کریم، ویژگی‌های مؤمنان مجاهد، نکوهش و توبیخ ترک‌کنندگان جهاد و وعده عذاب الهی بر آنها و بالاخره، پاداش مجاهدان و فضیلت آنان بر دیگران و... بیان شده است.

در خصوص این آیات، ذکر این نکته لازم است که همراه بودن جهاد اقتصادی(مالی) و جهاد جانی در قرآن، اهمیت و جایگاه ویژه جهاد اقتصادی را روشن می‌سازد؛ زیرا در هر آیه‌ای که جهاد با جان آمده است، جهاد مالی(جهاد به وسیله اموال) قبل از آن آمده است. این آیات عبارتند از: آیه ۹۵ سوره نساء، آیه ۷۲ سوره انفال، آیات ۲۰، ۴۱، ۴۴، ۸۱ و ۸۸ سوره توبه، آیه ۱۵ سوره حجرات و آیه ۱۱ سوره صف. شاید بتوان گفت به همین دلیل است که قرآن کریم از مال، تعبیر به خیر می‌کند(بقره، آیه ۱۸۰) و بر همین مبناست که پیامبر(ص) می‌فرماید: «مال، یاریگر خوبی برای اطاعت خداوند است».(شُبر، ۱۳۹۵، ص ۱۷۸)

در زبان عربی ریشه‌هایی که از لحاظ حروف، تلفظ آنها و مخرج ادای آنها شبیه به هم هستند، اغلب دارای مفاهیم نزدیک و شبیه به هم نیز هستند، لذا از این جهت، بررسی ریشه‌های شبیه به ریشه جهد، ضروری است. در قرآن کریم، شبیه‌ترین ریشه به ریشه جهد، ریشه جحد است که ۱۲ بار در قرآن به کار رفته و

۱. «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ».(عنکبوت، آیه ۶۹)
 ۲. «أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَلْعَلِمَ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمَ الصَّابِرِينَ».(آل عمران، آیه ۱۴۲)
 ۳. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ».(مائده، آیه ۳۵)
 ۴. «وَمَنْ جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ».(عنکبوت، آیه ۶)



تمامی موارد کاربرد آن در جهت منفی و به معنای انکار و ناسپاسی و نادیده گرفتن نعمات الهی از سوی کافران و مشرکان است و البته در این انکار و ناسپاسی، شدت و پافشاری دارند. نتیجه اینکه، این دو ریشه از جهت شدت و پافشاری به هم شبیه هستند.

جهاد در روایات

در این قسمت به جهت طولانی نشدن مطلب به چند حدیث منتخب در خصوص جهاد اشاره خواهد شد.

پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: «جهاد کنید تا مجد و عظمت را برای فرزندانان بر جای گذارید». (حر عاملی، ۱۳۹۸ق، حدیث ۱۶ جهاد)

آن حضرت در جایی دیگر در بیان اهمیت جهاد می‌فرماید: «آن کس که جهاد را ترک گوید، خداوند بر اندام او لباس ذلت می‌پوشاند و فقر و احتیاج بر زندگی و تاریکی بر دین او سایه خواهد انداخت». (حر عاملی، ۳۹۸ق، حدیث ۲ جهاد العدو) حضرت در این حدیث، نتیجه ترک جهاد را علاوه بر ذلت و خواری (نتیجه مرسوم و شناخته شده ترک جهاد)، فقر و گرسنگی و ضعف در دین می‌داند. این مطلب به ذهن تبادر می‌کند که از نظر آن حضرت، جهاد منحصر در جهاد نظامی نیست، بلکه جهاد اقتصادی و نیز جهاد فرهنگی نیز در این زمره قرار دارند و ترک آنها موجب گرسنگی و ضعف در دین خواهد شد.

امیرالمؤمنین علی (ع) خطبه مفصلی در نهج البلاغه در خصوص جهاد دارند که شاید بتوان گفت جمله و عبارت کلیدی آن خطبه، این عبارت است: «جهاد، دری از درهای بهشت است که خداوند آن را بر افراد خاصی از بندگانش گشوده است و جامعه تقوا و پاکی هاست که بر تن آنان پوشانده و زره استوار الهی است که آسیب نبینند و سپر محکم اوست (که تیر بلا در آن ننشیند). هر که جهاد را رها کند و ناخوشایند داند، خدا جامعه خواری بر تن او پوشاند و فوج بلا بر سرش کشاند و در زبونی و فرومایگی بماند». (نهج البلاغه، خطبه ۲۷) آن حضرت در خطبه دیگر می‌فرماید: «جهاد قله مرتفع اسلام است». (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۹) و در مورد دیگر می‌فرماید: «خداوند جهاد را برای سربلندی اسلام واجب فرمود». (نهج البلاغه، حکمت ۲۴۴)

در خصوص قسمت اول این حدیث می‌توان گفت اثر ذاتی تقوا، صیانت نفس انسان از پلیدی‌ها و گناهان است. اما انسان برای حفظ همین تقوا نیاز به محافظ و پوشش در مقابل خطرات دارد. لذا حضرت امیر (ع) جهاد را به مثابه لباسی می‌داند که از تقوای مجاهدان محافظت می‌کند. به همین دلیل، از نظر ایشان جهاد دری



از درهای بهشت است که خداوند بر روی اولیای خاص خود گشوده است تا به این طریق، آنان بتوانند تقوای خود را محافظت کنند.

استاد شهید علامه مطهری در خصوص قسمت دوم فرمایش حضرت امیر(ع)، عبارت دقیقی دارند به این شرح که: «زره، آن جامه حلقه حلقه آهنین است که سربازان هنگام جنگ مانند یک پیراهن بر تن می‌کردند و اما سپر، ابزاری است که به دست می‌گرفته و مانع ورود ضربت می‌شده‌اند. کار سپر، جلوگیری از ورود ضربت بوده و کار زره، خنثی کردن اثر ضربت وارده. ظاهراً علی(ع) از آن جهت جهاد را هم به سپر تشبیه کرده و هم به زره که برخی جهادها نوعی پیشگیری است و مانع ورود ضربت می‌شود و بعضی دیگر شکل مقاومت و بی‌اثر کردن حملات را دارد». (مطهری، ۱۳۶۸)

مفهوم اقتصاد

کلمه «اقتصاد» از ریشه قصد و به معنای چیزی ضد افراط و تفریط و در واقع؛ به معنای میانه‌روی است. همچنین به معنای پس‌انداز، تعادل و صرفه‌جویی می‌باشد (المنجد، فرهنگ عربی معاصر؛ راغب اصفهانی، نقل از خسروی حسینی، ۱۳۸۳). مفهوم اقتصاد در احادیث به معنای میانه‌روی در امور مالی که از آن به تعادل در دخل و خرج تعبیر می‌شود، به کار رفته و در مقابل آن، از اسراف و تبذیر نام استفاده شده است.^۱ حضرت علی(ع) می‌فرماید: اسراف را رها کن و میانه‌روی در پیش‌گیر و امروز به یاد فردا باش و از مال به اندازه ضرورت نگاهدار و اضافی آن را برای روز نیازمندیت (قیامت) پیش فرست.^۲ (نهج البلاغه، نامه ۲۱) همچنین ایشان می‌فرمایند: هر کس به مقدار کفایت، قناعت کند، آسایش می‌یابد و برای خویش زمینه گشایش فراهم می‌کند.^۳ (نهج البلاغه، حکمت ۳۷۷) پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله در خصوص ثمره اقتصاد می‌فرماید: هر کس میانه‌روی کند، خداوند بی‌نیازش سازد و هر کس ریخت و پاش نماید، خداوند نادرش کند.^۴ (کلینی، ج ۴، ص ۹۵، ح ۱) در همین راستا امام صادق علیه السلام می‌فرماید: اسراف باعث فقر و میانه‌روی موجب بی‌نیازی می‌شود.^۵ (حر عاملی، ۱۳۹۸، ج ۱۵، ص ۲۵۸، ح ۸) و (حر عاملی، ۱۳۹۸، ج ۲، حدیث ۲ جهاد العدو)

۱. هر چند مفهوم اسراف و تبذیر تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند، اما وجه اشتراک آنها این است که هر دو در احادیث، در مقابل اقتصاد به کار رفته است.
 ۲. فِدَعِ السَّرَافَ مُقْتَصِدًا وَادْكُرْ فِي الْيَوْمِ غَدًا وَأَمْسِكْ مِنَ الْمَالِ بِقَدْرِ ضَرُورَتِكَ وَقَدِّمِ الْفَضْلَ لِيَوْمِ حَاجَتِكَ؛
 ۳. مَنْ اقْتَصَرَ عَلَى بُلْغَةِ الْكِفَافِ فَقَدْ انْتَضَمَ الرَّاحَةَ وَتَبَوَّأَ حَفْصَ الدَّعْوَةِ
 ۴. مَنْ اقْتَصَدَ اغْنَاهُ اللَّهُ وَمَنْ بَدَّرَ افْقَرَهُ اللَّهُ
 ۵. إِنَّ السَّرْفَ يورِثُ الْفَقْرَ وَإِنَّ الْقَصْدَ يورِثُ الْغِنَى



در دیدگاه اسلامی و بر اساس حدیث معروف «من لا معاش له لا معاد له»، اقتصاد و برنامه‌ریزی برای معاش باید طوری باشد که معاد انسان را رقم بزند و کسب رضایت خداوند، به عنوان غایت و نهایت مطلوب اقتصاد در نظر گرفته شود. در رویکرد اسلامی، اقتصاد به عنوان ابزاری است که انسانها را در مسیر عبودیت حق تعالی کمک می‌کند و به عبارتی؛ وسیله است نه هدف. در علم اقتصاد، متعارف تعریف اصطلاحی اقتصاد، چنین آمده است: مدیریت منابع محدود برای پاسخگویی به نیازهای نامحدود. پرسش بنیادین برای دانش اقتصاد در غرب، مسئله‌ی حداکثر شدن رضایت و مطلوبیت مادی برای مصرف‌کنندگان و حداکثر سود برای تولیدکنندگان است.

مفهوم جهاد اقتصادی

مفهوم جهاد اقتصادی از ترکیب اضافه (مضاف) جهاد و اقتصاد تشکیل شده است. با توجه به نکات بیان شده در تعاریف لغوی و اصطلاحی جهاد و اقتصاد، جهاد اقتصادی؛ یعنی حرکتی جدی، پایمردانه و سخت‌کوشانه در راه فراهم کردن وسایل، ابزار و نیازهای معیشتی انسانها. این مفهوم از جهاد در دین اسلام، در دو بُعد فردی و اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است.

الف) جهاد اقتصادی فردی: در دین اسلام، تلاش و کوششی که هر شخص برای بهبود وضعیت اقتصادی خود و افراد تحت تکفلش از طریق صحیح آن انجام می‌دهد، مورد تکریم و تمجید قرار گرفته و از آن به طلب رزق حلال و به عنوان شاخه‌ای از شاخه‌های جهاد تعبیر شده است. به عنوان نمونه، امام صادق (ع) می‌فرماید: «کسی که برای بهبود اقتصاد همسر و فرزندان زحمت بکشد، همچون شخصی است که در راه خدا مجاهده کند» (شَّیر، ۱۳۹۵، ص ۱۸۰) و نیز امام باقر (ع) می‌فرماید: «کسی که در دنیا به جهت بی‌نیازی جستن از مردم و بهبود وضع اهلش، سعی و تلاش و برای لطف و مهربانی کردن بر همسایه‌اش طلب رزق کند؛ خداوند را در روز قیامت ملاقات می‌کند در حالی که صورتش همچون ماه شب چهارده می‌درخشد» (همان). برخی روایات دیگر، مسلمانان را به تلاش و کوشش در جهت طلب رزق و بهبود وضع اقتصادی، ولو در شهر و دیارهایی غیر از وطن خود نیز تشویق می‌کنند. امام صادق (ع) می‌فرماید: «به درستی خداوند به دیار غربت رفتن برای طلب رزق را دوست می‌دارد» (همان).

دین مبین اسلام، مسلمانان را به طلب رزق حلال و فراهم کردن وسایل معیشتی



به منظور مقابله با فقر و تنگدستی اقتصادی در حوزه فردی تشویق کرده است. پیامبر اکرم(ص) در این زمینه می‌فرماید: « نزدیک است که فقر منجر به کفر شود» (همان، ص ۱۸۸)؛ چرا که فقر، زمینه را برای جرمهای اجتماعی و ضعف ایمان، بسیار سریع فراهم می‌کند و موجب به مخاطره افتادن امنیت و سلامت جامعه می‌شود.

جهاد اقتصادی اجتماعی: سعی و تلاش همه افراد اجتماع در بالا بردن توان اقتصادی جامعه در دین مبین اسلام مورد توجه قرار گرفته است. بخشی از این تأکید و توجه را می‌توان از برخی عمومات و کلیات آیات قرآن برداشت کرد؛ از جمله آیه ۶۰ سوره انفال که می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ...» تا آنجا که می‌توانید قوت را در برابر دشمنان آماده سازید». بر اساس این آیه، خداوند به طور عام، همه افراد را به بالا بردن قوت و توان جامعه اسلامی در تمامی زمینه‌ها و از جمله قدرت اقتصادی جامعه امر فرموده است. لذا تمامی افراد جامعه اسلامی بایستی با تلاش و مجاهده خود، به گونه‌ای عمل کنند که به خودکفایی در همه ابعاد اقتصادی برسند.

روش‌شناسی

در این بخش به مهم‌ترین نکات رویکرد سیستمی و روش استفاده از مفاهیم این رویکرد در تبیین موضوع و در حد نیاز این نوشتار پرداخته می‌شود.

تعاریف سیستم و روش سیستمی

واژه «سیستم» در لغت به معنای دستگاه، سیستم، نظام، قاعده، دستگاه حکومت و... است (حق‌شناس و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۱۶۹). سیستم، مجموعه‌ای از اجزا و روابط میان آنهاست که توسط ویژگی‌های معین، به هم وابسته یا مرتبط می‌شوند و این اجزا با محیط‌شان یک کل را تشکیل می‌دهند (رضاییان، ۱۳۷۵، ص ۲۷). از نظر - مؤسس نظریه سیستم‌ها- سیستم عبارت است از تعدادی عنصر که با یکدیگر ارتباط‌هایی دارند. با تکیه بر این تعریف، سیستم موجودیتی است متشکل از عناصری مرتبط و متعامل که این ارتباط و تعامل، نوعی کلیت و تمامیت به آن می‌بخشد (فرشاد، ۱۳۶۲، ص ۴۳). مانند یک کارخانه یا بدن انسان. این اجزا در راه تحقق یک هدف حرکت کرده، یکدیگر را در جهت تحقق این هدف، کامل می‌کنند. البته در فارسی به طور معمول از واژه نظام به عنوان معادل سیستم استفاده می‌شود. (زورق، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۴۱)



سیستم کلّیتی است شامل حداقل دو عنصر که همبسته و متعامل با یکدیگر هدف خاصی را دنبال می‌کنند. سیستم‌ها دارای شرایط و ویژگی‌های ذیل می‌باشند:

- هر سیستم، یک کل است که نمی‌توان آن را به اجزای مستقل تقسیم کرد.
- هر جزء سیستم، ویژگی‌هایی دارد که اگر از سیستم جدا شود، آنها را از دست می‌دهد.
- سیستم، ویژگی‌هایی دارد که در هیچ یک از اجزاء، به طور مستقل وجود ندارد.
- وقتی سیستم به اجزای مستقل تقسیم شود، برخی ویژگی‌های ضروری خود را از دست می‌دهد.
- اگر اجزای یک موجودیت با یکدیگر تعامل نداشته باشند، تشکیل یک مجموعه می‌دهند نه یک سیستم. (ورزشکار، ۱۳۹۰)

نظریه سیستم‌ها به عنوان نوعی روش‌شناسی علمی و نگرش به جهان است که بر پایه به‌کارگیری رویکرد سیستمی انجام می‌گیرد. در بررسی روند تاریخی تحوّل در شیوه‌های نگرش به جهان و روش‌شناسی علم در سطح جهان، می‌توان به سه رویکرد عمده اشاره کرد:

الف) کل‌گرایی اولیه؛ دانشمندان در این مرحله، پدیده‌های مورد مطالعه خود را با یک کل‌نگری تقریبی مورد مطالعه قرار داده، به طبقه‌بندی علوم پرداخته و کمتر توانسته‌اند اجزا و کلّیتها را مورد مطالعه قرار دهند. به همین دلیل، نظریات آنان بیشتر جنبه ذهنی داشته است تا عینی. این روش تا قرون وسطی روش غالب بوده است. (زورق، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۴۴)

ب) جزءگرایی (منطق تجربی)؛ این رویکرد تقسیم هر پدیده به اجزای مختلف و بررسی جداگانه آنها را تنها شیوه مطلوب علمی در رابطه با درک و شناخت طبیعت اشیا و امور موجود می‌انگارد. پایه‌های این نحله فکری در آرا و نظریات فلاسفه یونان و برخی کشورهای شرقی است. این تفکر با رنسانس علمی مجدداً ترویج یافت. از قرن ۱۶ تا ۱۹ میلادی با تحقیقات و نظریات اندیشمندانی چون: بیکن، برونو، رنه دکارت، نیوتن و دیگر متفکران، مکتب ذره‌گرایی (اتمیسیم) به عنوان مکتبی جدید غالب شد. (گلای، ۱۳۶۹، ص ۱۴) به طور کلی، تفکر تحلیلی تجزیه‌مدار را می‌توان بر مبنای چهارگانه ذیل استوار دانست: ۱. معطوف شدن ذهنیت غالب محقق به بخش فیزیکی یا جهان خارجی جهان؛ ۲. تأکید بر اینکه هر پدیده‌ای حاصل تجزیه یا ترکیب سایر پدیده‌هاست؛ ۳. تأکید بر کمی کردن روابط علی؛ ۴.

افزایش دقت. (رضایان، ۱۳۷۵، ص ۱۰)



ج) منطق سیستمی؛ سومین مرحله، کل‌نگری نوین است؛ منتها نه کل‌نگری ذهنی و تقریبی، بلکه کل‌نگری دقیق و هندسی. کل‌نگری در این مرحله، جنبه کشف قانونمندی‌های کلی را دارد که نقطه اوج آن، کشف قوانین سیستم‌ها یا نظریه عمومی سیستم‌هاست (زورق، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۴۶). تفکر سیستمی بر تغییر از نگرش مبتنی بر تفکیک علوم به حوزه‌های تخصصی و ریز به نگرش مبتنی بر ترکیب یافته‌های رشته‌های گوناگون علمی تأکید دارد. (رضاییان، ۱۳۷۵، ص ۱۰)

روش تجزیه‌گرایی و مکانیستی تا اوایل قرن بیستم به مدت چند قرن، تفکر غالب بود و با وجود کاستی‌هایش، در گسترش دامنه علوم در جامعه بشری نقش مثبت و ارزنده‌ای داشته است. اما ضعف این نگرش وقتی عیان شد که در تحلیل پدیده‌های پیچیده جوامع انسانی، عاجز و درمانده شد و به همین خاطر روشهای نوین علمی از جمله کل‌گرایی یا نگرش سیستمی به وجود آمد. به نظر پیروان این نحله فکری، جهان و همه موجودات و پدیده‌های آن مرتبط به یکدیگرند و از یک روند کلی و عمومی حاکم پیروی می‌کنند. تفکر ارگانیکستی که در اوایل قرن بیستم شکل گرفت، ارگانیکسم یا موجود زنده را کلی یکپارچه می‌داند که خاصیت اجزای آن در تمامیت و کلیت آن نهفته است. این تفکر ارگانیکستی، پایه نگرش سیستمی قرار گرفت. (کلابی، ۱۳۶۹، ص ۱۶)

تفکر سیستمی در تضاد با تفکر تحلیلی نیست. در واقع؛ این دو روش، مکمل یکدیگرند نه جایگزین هم. با وجود این، همان‌گونه که متفکران سیستمی دریافته‌اند، مطالعه فراگردهای به هم پیوسته اجزای یک سیستم، مفیدتر از تحلیل ریز آنهاست (رضاییان، ۱۳۷۵، ص ۱۱). نگرش سیستمی در عین حال در درون خود نگرش تجزیه‌گرایی را نیز جا داده است؛ اما از دیدگاه سیستمی، تجزیه عناصر هر پدیده و تحلیل ویژگی‌های آنها، در کلیت و یکپارچگی سیستم و بررسی روابط پایدارشان با یکدیگر و با کل سیستم مورد نظر است نه جدای از کل پدیده‌ها و به‌طور انتزاعی (کلابی، ۱۳۶۹، ص ۱۸۹). هسته اصلی نگرش سیستمی این است که برای مطالعه هر پدیده باید کلیت آن را مانند یک سیستم در نظر گرفت و مطالعه کرد.

عناصر و اجزای تشکیل دهنده سیستم

هر سیستم یا نظام را دارای چهار عنصر اساسی می‌دانند که تجزیه و تحلیل سیستماتیک در مورد آنها صورت می‌گیرد. این اجزا عبارتند از:

۱. **نهاد (درون‌داده):** عوامل و متغیرهایی که وارد سیستم می‌شوند، نهاده



نام دارند. در یک نظام سیاسی، مجموعه‌ها (تقاضاها) و حمایتها در این حوزه قرار می‌گیرند. در یک نظام بین‌المللی، اقدامات، رفتارها و سیاستهای سایر دولتها در مقابل سیاست خارجی یک دولت، داده نظام سیاست خارجی است. در نظام اقتصادی مواد اولیه اعم از انواع سرمایه، نیروی کار، مدیریت و ... به عنوان نهاده محسوب می‌شوند.

۲. **ستاده (برون داده):** برون داده یا ستاده به خروجی سیستم مربوط می‌شود. تصمیمات و خط مشی‌های یک نظام داخلی در قبال تقاضاها و حمایتها، جزء ستاده‌ها محسوب می‌شوند. در نظام اقتصادی محصولات تولیدی اعم از کالاها و خدمات به عنوان ستاده و برون داده محسوب می‌شوند.

۳. **بازخور:** ارزیابی هماهنگی یا ناهماهنگی بین نهاده‌ها و ستاده‌ها در فرایند بازخور مورد بررسی قرار می‌گیرد. چنانچه ستاده‌ها هماهنگ با نهاده‌ها باشند، نتیجه بازخور مثبت و در غیر این صورت، منفی است. معمولاً شاخص یا معیارهایی برای سنجش و ارزیابی عملکرد (بازخور) هر نظام در نظر گرفته می‌شود.

۴. **محیط (داخلی و خارجی):** محیط^۲ در لغت به معنای محیط زیست، محیط اطراف، احاطه و دور و بر آمده است. بطور کلی در متون تخصصی مدیریت، محیط به پدیده‌های اطراف سازمان اطلاق می‌گردد؛ که بطور معمول عواملی نظیر دولت، رقبا، تکنولوژی، عرضه و تقاضای نیروی کار، مشتریان و ارباب رجوع و اخیراً صنعت مرتبط با سیستم را دربرمیگیرد (رضائیان، ۱۳۷۶، ص ۱۵۴) محیط در نوع نگرش به سازمان، سازمان را سیستمی فرض می‌کند، که داده‌ها را به ستاده‌ها تبدیل میکند (سیستم‌های باز)، و برای بقای خود به محیط متکی است. (رابینز، ۱۳۸۴، ص ۲۷) محیط سازمان را میتوان بر حسب شدت تأثیر بر روی سازمان، به "محیط عمومی" و "محیط خصوصی" تقسیمبندی کرد. (رابینز، ۱۳۸۴، ص ۱۷۹-۱۷۸)

اصول نظریه سیستمی

بر تالفنی اصول نظریه سیستمها را چنین تلخیص کرده است: کلیت، جمع‌پذیری، مکانیزاسیون، تمرکز و سلسله‌مراتب. (حقیقت، ۱۳۸۷، ص ۲۲۵) این اصول ممکن است تا حدی با پیش‌فرضها تداخل داشته باشند، اما با اندکی تسامح می‌توان آنها را چنین برشمرد: هدفمندی، کل‌گرایی، نظم‌یافتگی، سازش‌پذیری، هم‌پایانی،

1. Output
2. Feed back
3. Internal Environment and External Environment
4. Environment



وابستگی متقابل، تعامل و تفکیک‌پذیری و سلسله‌مراتبی (پیدا شدن زیرسیستم‌ها برای هر سیستم).

تبیین رهنمودهای مقام معظم رهبری

در این قسمت، رهنمودهای رهبر معظم انقلاب در خصوص جهاد اقتصادی در قالب اجزای سیستم و با رویکرد سیستمی، تبیین و دسته‌بندی و ارائه می‌شوند.

محیط سیستم پیشنهادی

هر سیستم در محیطی قرار دارد و از عوامل محیط تأثیر می‌پذیرد و بر آنها اثر می‌گذارد. به عبارت دیگر؛ سیستم و عوامل محیطی، مانند عوامل طبیعی، فرهنگی، ایدئولوژیکی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، بر هم تأثیر و تأثر متقابل دارند. به این ترتیب، محیط هر سیستم را عواملی تشکیل می‌دهند که گرچه جزء سیستم نیستند، اما تغییر در هر یک از آنها می‌تواند موجب تغییراتی در سیستم شود. بنابراین، محیط سیستم شامل تمامی متغیرهایی است که می‌توانند در وضع سیستم مؤثر باشند یا از سیستم تأثیر پذیرند.

البته همیشه تشخیص محیط سیستم از خود آن به آسانی میسر نیست. در مورد برخی از سیستم‌ها، میزان ارتباط و آمیختگی محیط و سیستم به قدری زیاد است که در نظر گرفتن خط و مرز مشخصی بین آن دو بسیار دشوار است. برای مثال، انسان با محیط خود چنان مرتبط است که در بسیاری از موارد، شخصیت و صفاتش به آنچه در اصطلاح «محیط» او خوانده می‌شود، به شدت وابسته می‌شود. به این ترتیب، تفکیک سیستم از محیط آن، امری قراردادی و وسیله‌ای است که ما انسانها به کمک آن، شناخت پدیده‌های پیچیده جهان را در حوزه توانایی ذهنی خود قرار می‌دهیم. از نگاه دیگر؛ محیط سیستم به مقتضیات و شرایطی اطلاق می‌شود که سایر عناصر متشکله سیستم در آن عمل می‌کنند. لذا در خصوص محیط عمل سیستم جهاد اقتصادی، موارد ذیل را می‌توان به عنوان عوامل تشکیل‌دهنده و مؤثر محیطی نام برد: اهداف تعیین شعار سال، شعارهای سالهای قبل، اهداف و ضرورت‌های طرح شعار جهاد اقتصادی، سایر فعالیتها و سیستم‌های اقتصادی مطرح در کنار سیستم جهاد اقتصادی همچون: برنامه پنجم توسعه، سیاستهای کلی اصل ۴۴، سند چشم‌انداز و دهه پیشرفت و عدالت.

در ادامه، ضمن توصیف موارد مذکور، رهنمودهای مقام معظم رهبری نیز تبیین خواهند شد.



الف) اهداف تعیین شعار سال

هر تدبیر یا سیاستی که از سوی مقام معظم رهبری اتخاذ می‌شود، به دنبال دستیابی به هدف معینی است؛ به خصوص تدابیری مانند تعیین شعار سال که به عنوان یک سیاست و رویه، هر ساله از سوی ایشان مطرح می‌شود. بنابر این، تعیین شعار سال نیز از این قاعده کلی مستثنا نیست. معظّم له هدف از تعیین شعار سال در ابتدای هر سال شمسی و تأکید بر آن در طول سال را در موارد ذیل بر شمرده‌اند:

- ✓ هدایت اندیشه‌ها و افکار به سوی مسائل اساسی و مهم مورد نیاز؛
- ✓ هدفگذاری وحدت‌بخش و انسجام‌آور؛
- ✓ اصلاح فرهنگ عمومی جامعه.

«شعارهای سال به معنای شروع این جریان است نه اینکه مخصوص امسال است». (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۲/۳)

«اینکه ما هر سالی را به نامی و با شعاری موسوم می‌کنیم و سال را با این نام و با این شعار آغاز می‌کنیم، صرفاً یک عمل تشریفاتی نیست. البته اسمها مهم نیست؛ مهم مسماست؛ لیکن این نامگذاری‌ها به ما و ملت و مسئولان نشان می‌دهد که چه می‌خواهیم و دنبال چه هستیم یا باید به دنبال چه باشیم». (۱۳۸۴/۱/۱)

ب) شعار سال سالهای قبل

مروری بر شعارهای سالهای قبل، بیانگر این نکته است که همگی آنها به نحوی صبغه اقتصادی دارند؛ به خصوص شعارهای سالهای ۱۳۸۸، ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ که سه سال نخست دهه پیشرفت و عدالتند. سال ۱۳۸۷ که «سال نوآوری و شکوفایی» بود، به تعبیر مقام معظم رهبری سال کسب حد نصابها برای اقتصاد کشور برای ورود به دهه پیشرفت و عدالت بود:

«من برای این سال دو چیز را انتظار می‌برم... در این سال باید نوآوری فضای کشور را فرا بگیرد و همه خود را موظف بدانند که کارهای نو و ابتکاری را - در سایه مدیریت صحیح و تدبیر درست - در فعالیت کشور وارد کنند. انتظار دوم این است که فعالیتهایی که در سالهای گذشته انجام گرفته است، کارهایی که دولت کرده است، سرمایه‌گذاری‌های بزرگی که مسئولان گوناگون و آحاد مردم در بخشهای مختلف انجام داده‌اند، اینها به شکوفایی برسد و مردم نتایج آن را در زندگی خود حس کنند». (۱۳۸۷/۱/۱)



ایشان علل نامگذاری این سال را موارد ذیل برشمرده‌اند:

- ✓ نوآوری و شکوفایی، شرط لازم برای تحقق پیشرفت کشور؛
- ✓ نیاز کشور به کار و ابتکار و تلاش مجدّانه، هم در صحنه داخلی و هم بین‌المللی.

سال ۱۳۸۸ به عنوان نخستین سال دهه پیشرفت و عدالت، سالی است که کشور بایستی برای تحقق اهداف دهه پیش رو؛ یعنی عدالت و پیشرفت، اولین گام اساسی یعنی مدیریت منابع را سرلوحه کار خود قرار دهد. لذا مقام معظم رهبری شعار این سال را «اصلاح الگوی مصرف» (استفاده بهینه از منابع) نامگذاری فرمودند:

«در اداره اقتصاد یک ملت، مصرف یک رکن عمده است؛ مصرف درست، مصرف خوب، مصرف دور از اسراف و تبذیر و اتلاف مال؛ همین چیزی که همیشه توصیه می‌شود» (۱۳۹۰/۱/۸). «ما بایستی به سمت اصلاح الگوی مصرف حرکت کنیم. مسئولین کشور در درجه اول و اشخاص و شخصیتها در رتبه‌های مختلف اجتماعی، و آحاد مردم ما از فقیر و غنی، بایستی به این اصل توجه کنند که باید الگوی مصرف را اصلاح کنند. این جور مصرف کردن در همه زمینه‌ها، مصرف کردن بی‌رویه و بدون منطق و بدون تدبیر عقلانی، به ضرر کشور و به ضرر آحاد و اشخاص ماست. من از عموم مردم و به خصوص از مسئولین درخواست می‌کنم، خواهش می‌کنم که در این زمینه فعالیت خودشان را در این سال زیاد کنند، افزایش بدهند و برای اصلاح الگوی مصرف برنامه‌ریزی کنند» (۱۳۸۸/۱/۱).

ایشان اهداف نامگذاری این سال را موارد ذیل برشمرده‌اند:

- ✓ اعمال صرفه‌جویی در کشور به عنوان یک سیاست (سیاستهای اصلاح الگوی مصرف) Y
- ✓ استفاده صحیح جامعه از تولید موجود و صرف آن در جهت اعتلای کشور؛
- ✓ جلوگیری از عقبگرد و ضررهای اقتصادی تهدیدکننده آینده کشور؛
- ✓ پیگیری، برنامه‌ریزی، قانونگذاری و اجرای قاطعانه قانون در زمینه اصلاح الگوی مصرف توسط سه قوه؛

✓ طی کردن بخش مهمی از حرکت به سمت پیشرفت و عدالت.

سال ۱۳۸۹ نیز سالی است که می‌توان آن را شروع مدیریت اراده‌ها و انگیزه‌ها دانست تا بدین وسیله کشور بتواند با سرعت در مسیر در نظر گرفته شده به پیش برود:



«امسال برای اینکه بتوانیم بر طبق اقتضائات کشور و ظرفیتهای کشور حرکت کنیم، احتیاج داریم به اینکه همت خودمان را چند برابر کنیم؛ کار را متراکمتر و پرتلاشتر کنیم. من امسال را به عنوان سال «همت مضاعف و کار مضاعف» نامگذاری می‌کنم. به امید اینکه... در همه عرصه‌ها، مسئولین کشور به همراه مردم عزیزمان بتوانند با گامهای بلندتر، با همت بلندتر، با کار بیشتر و متراکمتر، راههای نرفته‌ای را بپیمایند و به هدفهای بزرگ خود ان‌شاءالله نزدیک‌تر شوند» (۱۳۸۹/۱/۱)

ایشان اهداف نامگذاری این سال را موارد ذیل برشمرده‌اند:

- ✓ پیمودن راههای نرفته و دستیابی به هدفهای بزرگ با گامهای بلندتر و همت و کار بیشتر؛
 - ✓ دستیابی به بهترینها در همه عرصه‌ها؛
 - ✓ تلاش همگانی برای دستیابی به پیشرفت و عدالت.
- سال ۱۳۹۰ نیز سالی است که علاوه بر مدیریت منابع (اصلاح الگوی مصرف) و مدیریت اراده‌ها و انگیزه‌ها (همت مضاعف و کار مضاعف)، سال مقابله با دشمنان و توطئه‌های اقتصادی آنان و به عبارتی؛ سال مدیریت مقابله با دشمنان در عرصه اقتصادی است.



ج) ضرورت‌های طرح شعار جهاد اقتصادی

علاوه بر اهداف و ضرورت‌های کلی ذکر شده در اهداف تعیین شعار سال، اهداف و ضرورت‌های خاصی مد نظر مقام معظم رهبری بوده که باعث تعیین شعار جهاد اقتصادی به عنوان شعار سال ۱۳۹۰ شده است. این ضرورت‌ها را می‌توان در دو دسته عام و خاص دسته‌بندی کرد:

۱. **ضرورت‌های عام:** ضرورت‌های عام را می‌توان مواردی دانست که تعیین‌کننده این مطلب هستند که چرا شعار سال بایستی وجهه اقتصادی داشته باشد؛ مواردی که باعث شده‌اند شعار سال، معطوف به مسائل اقتصادی شده و صبغه اقتصادی داشته باشد. این ضرورت‌ها از نگاه رهبر معظم انقلاب به شرح ذیل است:



اهمیت مسائل معیشتی مردم از نظر نظام اسلامی:

«اولاً اقتصاد، پیشرفت اقتصادی و رونق اقتصادی، ارتباط مستقیم دارد با معیشت مردم. معیشت مردم جزء اولین اهداف همه دولتهاست در همه جای دنیا و در همه دوران تاریخ؛ هر دولتی که بخواهد به مردم خودش خدمت کند، اولین مسئله‌اش، مسئله معیشت مردم است که بتواند مردم را اداره کند. خب، این به اقتصاد وابسته است. یک اقتصاد خوب، سالم، وافر و پیشرو می‌تواند وضع زندگی مردم را خوب کند.» (۱۳۹۰/۶/۱۶)

اولویت مسائل اقتصاد در بین سایر مسائل اساسی کشور:

«در مورد شعار امسال و کاری که امسال باید انجام بگیرد، البته سرفصلهای مهمی وجود دارد که همه دارای اولویتند. مثلاً تحوّل نظام اداری یک کار لازم است که باید انجام بگیرد؛ تحوّل آموزش و پرورش، یک کار بنیانی است؛ جایگاه علوم انسانی در دانشگاهها و در مراکز آموزش و تحقیق، یک کار اساسی است؛ مسائل مربوط به فرهنگ عمومی، مسائل مربوط به اخلاق جامعه، این کارها همه‌اش کارهای مهمی است؛ لیکن به نظر صاحب‌نظران، امروز در این برهه از زمان، مسئله اقتصادی از همه مسائل کشور فوریت و اولویت بیشتری دارد.» (۱۳۹۰/۱/۱۱)

«امروز بزرگ‌ترین مبارزه با آمریکا، کار کردن و تلاش نمودن و مجاهدت برای اصلاح امور کشور است... مسئولان دولتی و بخشهای مختلف باید برای ایجاد اشتغال و مبارزه با فساد و باز کردن گره‌های امور معیشت مردم و رونق دادن به اقتصاد کشور، حقیقتاً کار و تلاش کنند. هر کس در این زمینه‌ها مجاهدت و کار کند، بزرگ‌ترین مبارزه را با آمریکا کرده است؛ چون آمریکایی‌ها نمی‌خواهند گره‌های این کشور و این ملت باز شود؛ آنها می‌خواهند این مشکلات بماند.» (۱۳۸۱/۵/۵)

«من امسال را سال جهاد اقتصادی اعلام کرده‌ام. این معنایش این است که ملت ایران در این برهه از زمان، جهادش به طور عمده در عرصه اقتصاد است.» (۱۳۹۰/۱/۱۸)

ضرورت حمایت از برنامه‌های اقتصادی دولت، به ویژه طرح تحوّل اقتصادی:

«خب، یک مصداق از این جهاد اقتصادی، همین طرح تحوّل اقتصادی است که دولت دو سه سالی است این را مطرح کرده. یک بند از طرح تحوّل اقتصادی، هدفمندی یارانه‌ها بود؛ که خب، بحمدالله قانونش تصویب شد و عملیاتی شده. البته من در زمینه کمک به تولید سؤال دارم.» (۱۳۹۰/۶/۱۶)



۲. ضرورت‌های خاص: در ضرورت‌های عام بیان شد که مقام معظم رهبری توجه به مسائل اقتصادی را اولویت اول و اساسی می‌دانند. اما در ضرورت‌های خاص، از نظر ایشان جهاد اقتصادی نه تنها یک نیاز شدید، بلکه ضرورتی قطعی است و به همین دلیل، تأکید ویژه‌ای بر همراهی اقتصاد و جهاد و جهاد اقتصادی دارند. ضرورت‌های خاص از طرح شعار جهاد اقتصادی، بیانگر مواردی است که جهادی بودن رفتار در حوزه اقتصاد را ضروری کرده است. به عبارتی؛ به چرایی همراه شدن اقتصاد با جهاد و در نتیجه، شکل‌گیری مفهومی همانند جهاد اقتصادی می‌پردازند. این ضرورت‌ها، علی‌هستند که به تعبیر مقام معظم رهبری، عدم کفایت حرکت طبیعی در عرصه اقتصادی و در نتیجه، لزوم حرکت جهادگونه را ضروری کرده و عبارتند از:

محوریت مسائل اقتصادی در سال ۱۳۹۰:

«ما بایستی توجه کنیم به اساسی‌ترین مسائل کشور و محور همه اینها به نظر من، مسائل اقتصادی است. لذا من این سال را سال جهاد اقتصادی نامگذاری می‌کنم.» (۱۳۹۰/۱/۱)

«ما جهاد اقتصادی را یک ضرورت برای کشور می‌دانیم، نه صرفاً یک اولویت؛ یک نیاز قطعی است.» (۱۳۹۰/۶/۶)

تمرکز دشمنان بر مبارزه با ملت ایران در عرصه اقتصادی:

«امسال سال جهاد اقتصادی است. جهاد اقتصادی متوجه یک نکته اساسی است در مسئله اداره کشور و مدیریت کشور و آن این است که امروز دشمن برای مبارزه با اسلام و جمهوری اسلامی بر روی مسئله اقتصاد متمرکز شده است. نه اینکه عرصه‌های دیگر را فراموش کردند؛ نه، در زمینه فرهنگ و در زمینه امنیت و در زمینه سیاست و در همه زمینه‌ها علیه نظام جمهوری اسلامی آنچه از دستشان برمی‌آید، می‌کنند - حالا شکست می‌خورند، مطلب دیگری است؛ اما آنها تلاش خودشان را می‌کنند - لیکن تمرکز عمده آنها بر روی مسائل اقتصادی است.» (۱۳۹۰/۲/۲۷)

«امروز دشمنان نظام اسلامی و دشمنان ملت ایران از ابزار اقتصادی دارند علیه ما استفاده می‌کنند.» (۱۳۹۰/۶/۶)

«برای اینکه مردم را از دولت جدا کنند، از نظام جدا کنند، فاصله و شکاف ایجاد کنند، دنبال این هستند که در مسئله اقتصادی کشور مشکل ایجاد کنند... به زانو درآوردن کشور از لحاظ اقتصاد، عقب راندن و پس راندن کشور در زمینه اقتصاد، که منتهی بشود به فلج پایه‌های اقتصادی، منتهی بشود به نومیدی مردم، یکی از کارهای اساسی دشمن است.» (۱۳۹۰/۳/۸)



«همین تحریمهایی که دشمنان ملت ایران زمینه‌سازی کردند یا آن را علیه ملت ایران اعمال کردند، به قصد این بود که یک ضربه‌ای بر پیشرفت کشور ما وارد کنند و آن را از این حرکت شتابنده باز بدارند» (۱۳۹۰/۱/۱۱)

«بایستی در مقابل تحریمها مجهز بود. جبههٔ مقابل را باید شناخت، ابزار و سلاح او را باید شناخت و ضد آن سلاح را باید آماده کرد؛ این جهاد اقتصادی می‌خواهد» (۱۳۹۰/۵/۲۶)

تشدید تحریمهای اقتصادی دشمنان و لزوم مقابله با آن:

«سیاست استکباری، زمین زدن ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی از راه اقتصاد است. تحریمها گر چه بهانه‌اش مسئلهٔ انرژی هسته‌ای است، اما دروغ می‌گویند؛ عامل طرح مسئلهٔ تحریمها، انرژی هسته‌ای نیست... هدف تحریمها، فلج کردن اقتصادی است. البته این افتخار را ملت ایران دارد که سی و دو سال است دارد این تحریمها را تحمل می‌کند» (۱۳۹۰/۵/۲۶)

از نظر مقام معظم رهبری شواهد و دلایل این امر عبارتند از: (۱) تحریمهای جدید، گوناگون و روزافزون؛ (۲) مایوس شدن دشمن از سایر فشارها.

تحقق سند چشم‌انداز در پرتو عمل به شعار سال:

«یک مسئلهٔ دیگر، مسئلهٔ رسیدن به چشم‌انداز است. این چشم‌انداز هدف‌گذاری شده است، یک سند بالادستی است؛ باید ما این را حتماً رعایت کنیم. بدون جهاد اقتصادی، به چشم‌انداز نخواهیم رسید. در چشم‌انداز، قدرت اول اقتصادی منطقه هم مطرح شده. در این میدان - که میدان مسابقه است - اگر چنانچه عقب ماندیم، ضربه خواهیم خورد» (۱۳۹۰/۶/۶)

«باید به این رتبه برسیم. خوب، دیگران طبعاً نمی‌ایستند تا ما برویم اول بشویم؛ دیگران هم دارند کار می‌کنند، تلاش می‌کنند. ما شاهد تلاش و تحرک شدید اقتصادی برخی از کشورهایی هستیم که در همین حوزه اول شدن ما واقع هستند. البته ما از بعضی از ابزارهایی که آنها استفاده می‌کنند، استفاده نمی‌کنیم و نخواهیم کرد؛ ما نظیف‌تر و شریف‌تر و نجیبانه‌تر حرکت می‌کنیم؛ اما معتقدیم می‌شود به آن مرحلهٔ اول رسید، اگر سرعت را بیشتر و منضبط‌تر بکنیم. لذا این احتیاج دارد به جهاد. هم باید شتاب باشد، هم باید تدبیر باشد تا بتوانیم به این رتبهٔ اول برسیم. این رتبهٔ اول بودن هم فقط یک هوس نیست که بگوییم اول بشویم؛ نه، این



به خاطر این است که سرنوشت ملتها امروز به این وابسته است. اگر یک کشوری نتواند از لحاظ اقتصادی، از لحاظ علمی، از لحاظ زیرساختهای پیشرفت، خودش را تأمین کند و رشد پیدا کند، بی‌رحمانه مورد تناول قرار خواهد گرفت» (۱۳۹۰/۵/۲۶)

سومین سال از دهه پیشرفت و عدالت:

«توجه دارید که ما الان در این ساعت داریم وارد سومین سال دهه پیشرفت و عدالت می‌شویم... حرکت ما باید به نحوی باشد که بتوانیم این دهه را به معنای حقیقی کلمه، مظهر پیشرفت و مظهر استقرار عدالت در کشورمان قرار بدهیم. ... در عرصه اقتصادی با حرکت جهادگونه کار کنند، مجاهدت کنند. حرکت طبیعی کافی نیست؛ باید در این میدان، حرکت جهشی و مجاهدانه داشته باشیم» (۱۳۹۰/۱/۱)

اجرای سیاستهای کلی اصل ۴۴:

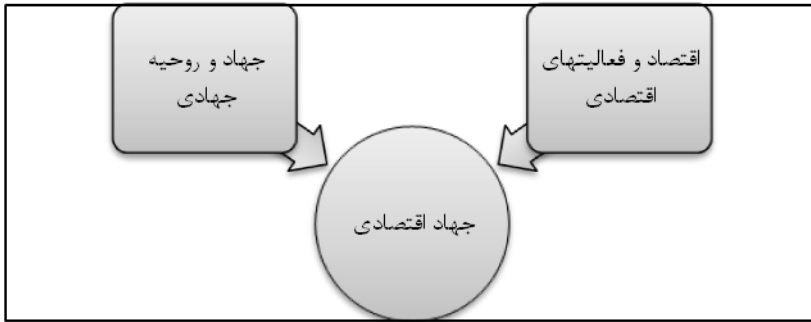
«البته از اقدام نظامی و اجتماعی مایوسند؛ خودشان هم می‌گویند که باید فشار اقتصادی بیاوریم. می‌خواهند فشارهای اقتصادی را زیاد کنند. یکی از چیزهایی که می‌تواند این فشارها را کم کند یا تأثیرش را بسیار کم کند، همین اجرای این سیاستهاست [سیاستهای کلی اصل ۴۴]. آنها مایل نیستند این سیاستها اجرا شود» (۱۳۸۵/۱۱/۳۰)

مرزهای سیستم پیشنهادی

مرزهای هر سیستم، نقش جداکننده و متمایزکننده آن سیستم از سایر سیستم‌های مجاور را بر عهده دارند. با عنایت به رهنمودهای مقام معظم رهبری و نیز با توجه به مفهوم جهاد اقتصادی، که گفته شد مفهومی مضاف و تشکیل شده از جهاد و اقتصاد است، می‌توان با تبیین این مفهوم مرزهای سیستم جهاد اقتصادی را ترسیم کرد که دارای مفهوم مشترکی با نام جهاد اقتصادی است. بنابر این، هر مطلب یا مقوله‌ای که بخواهد در درون سیستم جهاد اقتصادی قرار بگیرد، بایستی واجد دو خصوصیت و صفت همزمان اقتصادی و نیز جهادگونه باشد. لذا هر فعالیتی که با تلاش در حد نهایت طاقت در عرصه اقتصادی و با فرض وجود دشمنان انجام شود، در درون مرزهای سیستم جهاد اقتصادی قرار دارد و هر فعالیتی که هر یک از این خصوصیات؛ یعنی تلاش در حد طاقت، عرصه اقتصادی و فرض وجود دشمن را نداشته باشد، خارج از سیستم جهاد اقتصادی و بیرون از مرزهای آن قرار دارد. در



این قسمت، به منظور تبیین مرزهای سیستم جهاد اقتصادی با سایر سیستم‌ها، به تبیین مفهوم جهاد و جهاد اقتصادی از دیدگاه مقام معظم رهبری پرداخته می‌شود.



رهبر معظم انقلاب در تبیین مفهوم جهاد، اولین خصوصیت جهاد را رویارویی با دشمنان بیان فرموده‌اند:

«جهاد یک بار معنایی ویژه‌ای دارد. هر تلاشی را نمی‌شود گفت جهاد. در جهاد، حضور و رویارویی با دشمن، مفروض است. انسان یک تلاشی می‌کند، دشمنی در مقابل او نیست؛ این جهاد نیست. اما یک وقت شما می‌خواهید یک تلاشی را انجام دهید که به خصوص یک دشمنی، سینه به سینه شما ایستاده است؛ این می‌شود جهاد» (۱۳۹۰/۱/۸)

«هر تلاشی که در مقابله با دشمنان باشد، مجاهدت است و در عرف اسلامی اسمش جهاد است؛ اگر با اخلاص و درست انجام بگیرد» (۱۳۸۵/۱۱/۳۰)

«هر تحرّکی اسمش جهاد نیست. تحرّکی با خصوصیات اسمش جهاد است. یکی از خصوصیات این تحرّک، این است که انسان بداند این در مقابل دشمن است؛ یعنی بداند در مقابل یک حرکت خصمانه و غرض‌آلودی است که دارد انجام می‌گیرد. حرکتی که در مقابل یک چنین جهت‌گیری خصمانه وجود دارد، یکی از شرایط اصلی جهاد است. جهت دومی که در مفهوم جهاد حتماً بایستی ملاحظه بشود، استمرار و همه‌جانبگی است، هوشمندانه بودن است، مخلصانه بودن است. این جور تحرّکی اسمش جهاد است» (۱۳۹۰/۵/۲۶)

«ان شاء الله یک مجاهدت، یک حرکت هدفمند و هوشمندانه و با توکل به خدای متعال و با اعتماد به حمایت الهی انجام بگیرد» (۱۳۹۰/۱۶/۱۶)

«جهاد اسلامی، جهاد فی سبیل الله است. نیت اگر خدایی شد، جهاد



انسان فی سبیل الله است. وقتی انسان برای اعلائی کلمه حق، اعلائی کلمه اسلام، عزّت بخشیدن به امت اسلامی و ملت مؤمن و مسلمان ایران تلاش می‌کند، این جهاد می‌شود؛ جهاد فی سبیل الله. آن وقت در این تلاش، برکات و عظمت و شأن جهاد فی سبیل الله وجود دارد» (۱۳۹۰/۱/۸)

از نظر رهبر انقلاب، جهاد منحصر به جهاد نظامی و حضور در جبهه‌های نبرد نظامی نیست:

«کسی خیال نکند که جهاد همان جهاد مسلحانه را می‌گوییم؛ نه جهاد علمی و مالی و اقتصادی و جهاد در سنگر سازندگی که همه در جای خود محفوظند و فضیلت دارند. البته فضیلت جهاد مسلحانه با فضیلت‌های دیگر قابل مقایسه نیست. میدان جهاد، میدان بازی است که خود این هم فرصت دیگری است. اینها نعم الهی هستند و شما باید از این فرصتها استفاده کنید» (۱۳۷۳/۶/۲۹)

«ممکن است یک وقت این جهاد به شکل قتال باشد، ممکن است جهاد مالی باشد، ممکن است جهاد علمی باشد، ممکن است جهاد فنی باشد؛ همه اینها جهاد است؛ انواع و اقسام جهاد و مبارزه است. اگر بخواهیم در ادبیات امروز ما برای جهاد معادلی پیدا کنیم، می‌شود مبارزه» (۱۳۹۰/۱/۸)

مقام معظم رهبری ضمن طرح شعار جهاد اقتصادی به عنوان شعار سال، معنا و مفهوم جهاد اقتصادی را این‌گونه بیان فرموده‌اند:

«جهاد اقتصادی؛ یعنی حرکت مستمر همه‌جانبه هدفدار ملت ایران با نیت خنثی کردن و عقیم کردن تلاش خصم آلود و غرض آلود دشمن» (۱۳۹۰/۵/۲۶)

«جهاد اقتصادی، صرفاً تلاش اقتصادی نیست... جهاد اقتصادی؛ یعنی مبارزه اقتصادی...» (۱۳۹۰/۱/۸)

«پس جهاد اقتصادی لازم است؛ یعنی همین مبارزه، همین پیکار؛ منتها جهاد گونه، با همه توان، با همه وجود، با قصد خالص، با فهم و بصیرت اینکه داریم چه کار می‌کنیم. سال جهاد اقتصادی معنایش این است» (۱۳۹۰/۲/۲۷)

رهبر معظم انقلاب ضمن اینکه تمامی اقشار مردم را سهام و شریک در جهاد اقتصادی می‌داند، رفع نیازهای معیشتی مردم را جزئی از جهاد اقتصادی برمی‌شمارد:

«یک جمله خطاب به همه ملت ایران است و آن اینکه، در این جهاد اقتصادی همه شریکند... در هر بخشی که باشید، می‌توانید در این جهاد



سهیم باشید... مردم نیازهایی دارند. کمک به رفع این نیازها، جزء جهاد اقتصادی است؛ جزء کار بزرگ است» (۱۳۹۰/۱/۸)

«در سال جهاد اقتصادی، به نظر من یکی از قلم‌های مجاهدت اقتصادی مردم این است که بروند سراغ کالای ساخت داخل؛ آن را بخواهند. البته این طرف قضیه هم این است که کالای ساخت داخل بایستی قانع‌کننده باشد؛ بایستی دوامش، استحکامش، مرغوبیتش جوری باشد که مشتری را قانع کند؛ این هر دو در کنار هم، یک کار لازم و واجبی است» (۱۳۹۰/۵/۱۹)

داده‌ها و ورودی‌های سیستم پیشنهادی

تحقق هر هدف و برنامه‌ای مستلزم وجود الزامات و نیازمندی‌هایی است که به عنوان بسترها و زمینه‌های تحقق هدف مورد نظر است؛ به نحوی که در بیشتر موارد در غیبت آنها، تحقق هدف مورد نظر امکان‌پذیر نخواهد بود. سیستم جهاد اقتصادی نیز برای نیل به اهداف خود، به فراهم شدن منابع و داده‌هایی نیاز دارد. موارد مطرح شده از سوی مقام معظم رهبری برای داده‌های سیستم را می‌توان به دو دسته منابع عام و منابع خاص تقسیم کرد. منابع عام شامل مواردی است که برای هر سیستمی که در راستای پیشرفت و کارآمدی نظام ترسیم شده باشد، لازم و مورد نیاز است. منابع خاص نیز عبارتند از مواردی که سیستم جهاد اقتصادی به صورت خاص به آن نیاز دارد و جزء داده‌های مورد نیاز آن محسوب می‌شوند.

منابع عام سیستم جهاد اقتصادی عبارتند از:

استحکام معنویت و روح ایمان و تدبیر در جامعه:

«دوم، استحکام معنویت و روح ایمان و تدبیر در جامعه است ... اگر یک ملت، جوانانش متدبیر باشند... از چیزهایی که جوان را زمینگیر می‌کند، دور خواهند شد؛ استعداد آنها به کار می‌افتد، کار می‌کنند، تلاش می‌کنند؛ در زمینه علم، در زمینه فعالیت‌های اجتماعی، در زمینه فعالیت‌های سیاسی، کشور پیشرفت می‌کند. در اقتصاد هم همین جور است. روحیه معنویت و تدبیر، نقش بسیار مهمی دارد» (۱۳۹۰/۱/۱)

عدم ابتلای کشور به مسائل حاشیه‌ای:

«یک شرط دیگر این است که کشور به مسائل حاشیه‌ای مبتلا نشود. ببینید، در بسیاری از اوقات یک مسئله اصلی در کشور وجود دارد که همه باید همت کنند و به سراغ این مسئله اصلی بروند؛ باید مسئله کانونی کشور



این باشد؛ اما ناگهان می‌بینیم از یک گوشه‌ای یک صدایی بلند می‌شود، یک مسئله حاشیه‌ای درست می‌کنند، ذهنها متوجه آن می‌شود... مردم ما خوشبختانه قدرت تحلیل دارند، هوشمندند، هوشیارند؛ می‌توانند مسائل فرعی و حاشیه‌ای را از مسائل اصلی جدا کنند. توجه شود مسائل حاشیه‌ای کانون توجه افکار عمومی قرار نگیرد» (۱۳۹۰/۱/۱)

حفظ اتحاد و انسجام ملی و همکاری، همدلی و احساس برادری میان مسئولان:

«یک شرط دیگر، حفظ اتحاد و انسجام ملی است. این اتحادی که امروز در میان مردم و در بین مردم و مسئولین وجود دارد، مردم به مسئولین خودشان علاقه‌مندند، به آنها اعتماد دارند، به آنها کمک می‌کنند، با آنها همراهی می‌کنند، بین خود مردم اتحاد و وحدت وجود دارد، بایستی باقی بماند و روزبه‌روز تقویت شود. یکی از نقشه‌های بزرگ دشمنان ملت ایران، ایجاد تفرقه و شکاف در داخل بوده است؛ به بهانه قومیت، به بهانه مذهب، به بهانه گرایشهای سیاسی، به بهانه جناح‌بندی‌ها، به بهانه‌های گوناگون. اتحاد را باید حفظ کرد... مسئولین کشور هم همین‌جور؛ آنها هم باید سعی کنند اگر گله‌ای از هم دارند... این گله را در معرض افکار عمومی مطرح نکنند؛ این ضربه به اتحاد ملی است؛ این را همه توجه داشته باشند» (۱۳۹۰/۱/۱)

«باید مسابقه در خدمت و مسابقه در کار و تلاش، به جای مسابقه در تخریب، سوءظن، هتاک و یأس‌آفرینی وجود داشته باشد... این ملت بزرگ و شجاع و مؤمن و با قابلیت، وقتی می‌تواند به هدفهای والای خود دسترسی پیدا کند که به جای تزریق یأس و نومیدی، امید و آفاق روشن را در مقابل چشم نسل جوان این کشور بگشاید و به جای ایجاد سوءظن و بدبینی، روح برادری، وحدت، یگانگی و همدلی در میان مسئولان، و از قبل مسئولان، در میان مردم توسعه پیدا کند» (۱۳۸۴/۱/۱)

«اینها همه اجزایی است از مجموعه یک جهاد عظیم و همه‌جانبه اقتصادی. با همکاری، همدلی، احساس برادری، احساس عمل لله و کار برای خدا، این ملت می‌تواند جایگاه شایسته خود را پیدا کند» (۱۳۹۰/۱/۸)

تکیه به نیروی درونی و ذاتی و استغنائی از دیگران:

«آنچه که ما به مسئولین محترم بخشهای گوناگون توصیه می‌کنیم، این است که همین خط مستقیم تکیه به نیروی درونی و ذاتی خود و ایجاد



استغناى از ديگران را با جدّيتِ تمام دنبال کنند؛ بدانند اين تلاش و فعاليت، مورد توجه پروردگار است و جهاد فى سبيل الله است؛ اگر با نيت الهى باشد - نيت خدمت به مردم و خدمت به کشور، يکى از نيات الهى است - و خداى متعال اين جهاد را به نتيجه مى‌رساند. اين خط و اين جهت‌گيرى را رها نکنند، تلاش کنند... علاج چيست؟ علاج، برگشتن و تکیه کردن به خود؛ استمداد از توانايی‌های خود؛ اين چشمه جوشان تمام نشدنی اراده انسانی و استعدادی که بحمدالله در ايران عزيز ما، در مردم ما، در نسل جوان ما وجود دارد. ... احساس توانايی در يک ملت، بزرگ‌ترين سرمايه معنوی و روحی برای آن ملت است؛ و ملت ما اين احساس را دارد؛ شواهدش هم در همه بخشها دارد مشاهده می‌شود» (۱۳۹۰/۱/۸)

نیروی انسانی توانمند و با ایمان:

«دلهاي خوب، ايمانهاي خوب، همتهاي خوب، دستهاي تواناي خوب، چشمهاي بيناي خوب در کشور فراوان است. اين کشور شأنش خيلي بالاتر از اين است که به عنوان يک کشور درجه دوم در دنيا محسوب شود. اين کشور بايد در سطح بالای کشورها و ملتها قرار داشته باشد. ... سابقه تاريخی ما، ميراث فرهنگی ما، توانايی‌های مردمی ما، ظرفيتهاي طبيعي ما، همه به ما اين را املاء و ديکته می‌کنند» (۱۳۹۰/۵/۲۶)

«گاز، ثروت است؛ نفت، ثروت است؛ اما از اين ثروتها خيلي مهم‌تر، نيروی انسانی بااستعداد و علاقه‌مند و داراي توان کار است. ما اين ثروت را داريم؛ اصل اين است. اگر يک ملتی اين نيروی انسانی را داشت، می‌تواند ثروتهاي طبيعي خودش را هم استحصال کند و در خدمت ملت قرار دهد» (۱۳۹۰/۱/۸)

منابع خاص سيستم جهاد اقتصادی عبارتند از:

مهيا کردن بسترهای لازم اقتصادی:

«کاهش نرخ بيکاري و افزايش اشتغال در کشور، از جمله مسائل بسيار اساسی و مهم است. همچنين مسئله افزايش سرمايه‌گذاري بخش خصوصي و کمک به بخش خصوصي که بتواند در زمينه مسائل اقتصادی کشور سرمايه‌گذاري کند، از جمله مسائل مهم و اساسی است؛ که يکي از کارهاي مهم در اين باب، ايجاد تعاونی‌هاست، که به وسيله تعاونی‌ها سرمايه‌های بزرگ تشکيل بشود و بتوانند در مسائل مهم اقتصادی کشور سرمايه‌گذاري کنند و گره‌های مهم را باز کنند و دولت بتواند اين کار را انجام دهد.



بایستی زیرساختهای حقوقی و قانونی‌اش آماده شود. این؛ یعنی حمایت از شکوفایی کار» (۱۳۹۰/۱/۱)

«البته مسائلی که باید مسئولین کشور ان شاءالله با همت دنبال کنند، مسائل متعددی در زمینه سال جهاد اقتصادی است. مسئله اشتغال بسیار مهم است؛ کارآفرینی بسیار مهم است؛ مسئله پرداختن به زیرساختهای اقتصادی در سراسر کشور، که خوب، افراد صاحب‌فکری، صاحب‌نظری نشسته‌اند اینها را بررسی کردند، مشخص کردند، دنبال کردن اینها بسیار مهم است. همچنین مسئله صنعت، مسئله کشاورزی، مسائل گوناگونی که در این زمینه‌ها هست، مسائل مهمی است» (۱۳۹۰/۵/۱۹)

مشارکت مستقیم مردم در اقتصاد:

«مشارکت مستقیم مردم در امر اقتصاد، لازم است. این، نیازمند توانمند شدن است، نیازمند اطلاعات لازم است؛ که اینها را باید مسئولین در اختیار مردم بگذارند و امیدواریم ان شاءالله این روند، روزبه‌روز توسعه پیدا کند. البته رسانه‌ها نقش دارند، رادیو و تلویزیون نقش دارند، می‌توانند مردم را آگاه کنند؛ دولت هم باید فعال برخورد کند و بتوانند ان شاءالله مسئله اقتصادی را پیش ببرند» (۱۳۹۰/۱/۱)

گفتنی است که مشارکت مذکور برای کارآمد و مؤثر بودن، نیازمند افزایش اطلاعات و آگاهی مردم و نیز توانمند شدن آنان است. لذا در وهله نخست، وظیفه مسئولان و رسانه‌هاست تا شیوه‌ها و راهکارهای مؤثر و صحیح مشارکت و حضور در فعالیتهای اقتصادی، اعم از تولید، توزیع و مصرف را به مردم تعلیم دهند.

فرایند پردازش و عمل سیستم پیشنهادی

بررسی بیانات مقام معظم رهبری نشان می‌دهد که نحوه پردازش و عمل سیستم جهاد اقتصادی، روحیه جهادی و مجاهدت است. روحیه‌ای که در پرتو آن، ضمن توجه به مسائل و موضوعات مرتبط با جهاد اقتصادی، سایر نیازمندی‌ها و اهداف نظام اسلامی به تحقق خواهند رسید. همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، در مفهوم جهاد، تلاش و فعالیت جدی و شدید نهفته است. لذا رهبر معظم انقلاب در بیان نحوه عمل روحیه جهادی و ضرورت آن می‌فرمایند:

«خدای متعال نعمتهای معنوی را هم مثل نعمتهای مادی، آسان و ارزان نمی‌دهد؛ و اگر بدهد، آن را آسان و ارزان برای ما حفظ نمی‌کند. همچنان که همه دستاوردهای بشر به تبع تلاش و پیگیری است، حفظ



آنها هم به تبع تلاش و مجاهدت و فداکاری است. اگر مشاهده می‌کنید که ملت‌هایی پیشرفته‌های علمی و تکنولوژیکی یا سیادت سیاسی و اقتصادی پیدا کرده‌اند، ثروتمند شده‌اند و عزّتی پیدا کرده‌اند، هرچه هست، تابع تلاش است. این یکی از اصول اسلامی است که «من کان یرید العاجله عجلنا له فیها ما نشاء لمن نرید»؛ این مربوط به کسانی است که دنیا را می‌خواهند. آن کسانی که دنبال ارزشها هستند و دنیای ارزشی را که همان آخرت است و آخرت الهی را که همان ثواب الهی است، می‌خواهند، آنها هم همین‌طورند؛ «و من اراد الآخرة و سعی لها سعیها و هو مؤمن فأولئك کان سعیهم مشکورا». بعد می‌فرماید: «کلا نمدّ هؤلاء و هؤلاء»؛ ما همه را کمک می‌کنیم؛ اینها را و آنها را. هر کس که تلاش کرد، در همان راهی که تلاش کرده است، خدا به او کمک می‌کند. تلاش، معیار و میزان برای به دست آوردن دستاوردهاست». (۱۳۸۲/۱۱/۲۱)

«بدون جهاد، هیچ‌چیز به دست انسان نمی‌آید؛ نه دنیا و نه آخرت. بدون جهاد، در مقابل گرگ بی‌دست و پای بیابان هم نمی‌شود ایستاد؛ چه رسد به گرگ‌های بسیار بسیار خطرناک دنیای سیاست و دنیای اقتصاد و سرپنجه‌های خونینی که میلیون‌ها انسان را دریدند و نابود کردند و خوردند و بردند! مگر یک ملت بدون جهاد می‌تواند سرش را بالا بگیرد؟ مگر یک ملت بدون جهاد می‌تواند طعم عزّت را بچشد؟ مگر یک ملت بدون جهاد می‌تواند در میان ملت‌های دنیا شأن و موقعیتی پیدا کند؟». (۱۳۷۷/۷/۲۶)

«اگر یک روز مردم این منطقه و مردم بخش‌های مختلف کشور در مقابل زورگویی و پررویی و زیاده‌طلبی دولتهای غارتگر و متجاوز، آن جور باید می‌ایستادند، امروز در مقابل آن قدرتها شکل ایستادگی پیچیده‌تر است، حساس‌تر است، متنوع‌تر است؛ احتیاج دارد به یک مجاهدت پیچیده و عمیق...». (۱۳۹۰/۱/۸)

مقام معظم رهبری در تبیین معنای روحیه جهادی می‌فرماید:

«روحیه جهادی داشته باشیم؛ یعنی کار را برای خدا، با جدّیت و به صورت خستگی‌ناپذیر انجام دهیم - نه فقط به عنوان اسقاط تکلیف - بلاشک این حرکت پیش خواهد رفت». (۱۳۹۰/۱/۱)

«نیت اگر نیت خدایی باشد، می‌شود جهاد فی سبیل الله. وقتی انسان برای اعلاّی کلمه حق، اعلاّی کلمه اسلام، عزّت بخشیدن به امت اسلامی و ملت



مؤمن و مسلمان ایران تلاش می‌کند، این جهاد می‌شود جهاد فی سبیل‌الله. آن وقت در این تلاش، برکات و عظمت و شأن جهاد فی سبیل‌الله وجود دارد... کار خودتان را جهاد فی سبیل‌الله بدانید؛ احساس خستگی نکنید و بدانید جهاد فی سبیل‌الله وعده الهی بر پیروزی آن است. وقتی برای خدا و در راه خدا حرکت می‌کنید، به پیروزی خواهید رسید» (۱۳۹۰/۱/۸).

«وقتی این ملت به هدفهای خود دست پیدا خواهد کرد و مشکلات گوناگون را از سر راه خود برخواهد داشت که ایمان و جهاد در میان مسئولان به عنوان یک ارزش شناخته شود. این جهاد، جهاد علمی، جهاد عدالتخواهی و جهاد مدیریتی و اقتصادی است. مدیران کشور، مسئولان و پشت سر آنها مردم وقتی این شعارها را مد نظر قرار دهند، حرکت کشور به سمت هدفها و آرمانهای خود پُرشتاب و موفق خواهد شد» (۱۳۸۴/۱/۱).

«از مسئولان کشور، چه در دولت، چه در مجلس، چه در بخشهای دیگری که مربوط به مسائل اقتصادی می‌شوند و همچنین از ملت عزیزمان انتظار دارم که در عرصه اقتصادی با حرکت جهادگونه کار کنند، مجاهدت کنند. حرکت طبیعی کافی نیست؛ باید در این میدان، حرکت جهشی و مجاهدانه داشته باشیم» (۱۳۹۰/۱/۱).

«خوشبختانه ملت ما با فرهنگ مجاهدت آشناست. ما از مجاهدت، بیگانه نیستیم. ملت ما در میدانهای جهاد؛ هم جهاد نظامی، در دوران هشت سال دفاع مقدس؛ هم جهاد سیاسی، در طول این مدت؛ هم جهاد اقتصادی و علمی، یک ملت امتحان داده است. ما آشنا هستیم با جهاد. این جهادی که امروز باید انجام دهیم - جهاد اقتصادی - از جهادهایی که تا امروز ملت ایران انجام داده، مشکل‌تر نیست؛ اما باید بدانیم چه کار می‌خواهیم بکنیم» (۱۳۹۰/۱/۸).

ستاده‌ها و خروجی‌های سیستم پیشنهادی

نتایج و خروجی‌های سیستم جهاد اقتصادی ترسیم شده از سوی مقام معظم رهبری، که در بیانات ایشان اشاره شده‌اند، عبارتند از:

- نشان دادن قدرت و اقتدار نظام اسلامی در حل مشکلات اقتصادی؛
- رشد اقتصادی بر مبنای افزایش بهره‌وری (رسیدن به رتبه اول اقتصادی مشخص شده در سند چشم‌انداز)؛



• الگو شدن برای سایر ملتها.

«بخشهای اقتصادی کشور در همهٔ قسمت‌های دولتی و غیر دولتی اگر به توفیق الهی پایبند به این مجاهدت باشند، یک جهش به وجود خواهد آمد و همهٔ مردم در این موفقیت سهیمند» (۱۳۹۰/۲/۲۷)

«من به مسئولان کشور توصیه می‌کنم که در زمینهٔ اهمیت ارتقای سهم بهره‌وری در رشد اقتصادی کشور با مردم حرف بزنند؛ بگویند ارتقای سهم بهره‌وری در رشد اقتصادی کشور و همچنین کاهش فاصلهٔ درآمدی دهک‌های بالا و پایین جامعه - این شکاف درآمدها، شکاف اقتصادی بین بخش‌های مختلف جامعه - چقدر اهمیت دارد. این فاصله‌ها و شکافها مطلوب ما نیست؛ اسلام این را نمی‌پسندد. تا حدی که در برنامهٔ پنجم تعیین شده است، باید تلاش کنند این کارها انجام بگیرد» (۱۳۹۰/۱/۱)

دلیل اهمیت بهره‌وری، ناشی از دو مسئله است:

۱. سهم بالا و مؤثر بهره‌وری در ارتقای رشد اقتصادی کشور؛
۲. نقش بهره‌وری در کمک به تحقق عدالت اجتماعی از طریق اصلاح نحوهٔ توزیع درآمد میان صاحبان کار و سرمایه.

«اگر کشور عزیز ما بتواند در زمینهٔ مسائل اقتصادی، یک حرکت جهادگونه‌ای انجام بدهد، این گام بلندی را که برداشته است، با گام‌های بلند بعدی همراه کند، بلاشک برای کشور و پیشرفت کشور و عزت ملت ایران تأثیرات بسیار زیادی خواهد داشت. ما باید بتوانیم قدرت نظام اسلامی را در زمینهٔ حل مشکلات اقتصادی به همهٔ دنیا نشان دهیم؛ الگو را بر سر دست بگیریم تا ملتها بتوانند ببینند که یک ملت در سایهٔ اسلام و با تعالیم اسلام چگونه می‌تواند پیشرفت کند» (۱۳۹۰/۱/۱)

بازخوردگیری و شاخصه عملکردی سیستم پیشنهادی

وجود شاخص و معیار برای هر سیستمی از این نظر اهمیت دارد که به کمک آن می‌توان میزان تحقق اهداف سیستم را ارزیابی کرد و به عبارت دیگر؛ ملاک بازخوردگیری از سیستم است. در همین راستا، مقام معظم رهبری شاخص و معیار تحقق و موفقیت سیستم جهاد اقتصادی را رسیدن به رشد حداقل هشت درصدی اقتصاد در هر سال از برنامهٔ پنجم توسعهٔ فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جمهوری اسلامی می‌دانند. از نظر ایشان، تنها سال ۱۳۹۰ سال جهاد اقتصادی نیست، بلکه



حداقل پنج سال برنامه پنجم توسعه که رشد هشت درصدی سالانه به عنوان هدف آن تعیین شده است، سالهای جهاد اقتصادی هستند. لذا می‌فرمایند:

«آنچه که در این زمینه با عنوان شاخص وجود دارد و مهم است، رشد پرشتاب کشور به میزان تعیین شده در برنامه پنجم است که اعلام شده است؛ یعنی حداقل رشد هشت درصدی. در این رشد، سهم بیشتر مربوط به بهره‌وری است؛ یعنی ما بتوانیم از امکانات کشور به شکل بهتری استفاده کنیم» (۱۳۹۰/۱/۱)

تذکرات مهم در خصوص سال جهاد اقتصادی

مقام معظم رهبری در خصوص شعار سال و ترسیم سیستم جهاد اقتصادی نکات و مواردی را به عنوان تذکر و هشدار ذکر کرده‌اند که رعایت آنها برای تحقق جهاد اقتصادی و کارآمدی هر چه بیشتر این سیستم، ضروری است. این تذکرات عبارتند از:

انتظار از مردم و مسئولین مبنی بر شنیدن، باور و دنبال کردن تا تحقق عملی آن؛ عدم پر کردن در و دیوار از شعار سال:

«گاهی اوقات این شعاری که ما برای سال اعلام می‌کنیم، بعد ناگهان می‌بینیم همه در و دیوارهای تهران و شهرهای دیگر پر شده از تابلو، که این شعار رویش نوشته شده. این فایده‌ای ندارد. گاهی کارهای پرهزینه‌ای انجام می‌گیرد؛ چه لزومی دارد؟ آنچه که من از مسئولین و از مردم عزیزمان توقع دارم، این است که این شعار را بشنوند، باور کنند و دنبال کنند. تابلو کردن و در و دیوار را پر کردن و عکس زدن و اینها هیچ لزومی ندارد. اگر هزینه‌ای نداشته باشد، لزومی ندارد؛ اگر هزینه داشته باشد، اشکال هم دارد. هیچ لزومی ندارد کارهای پرهزینه را انجام بدهند» (۱۳۹۰/۱/۱)

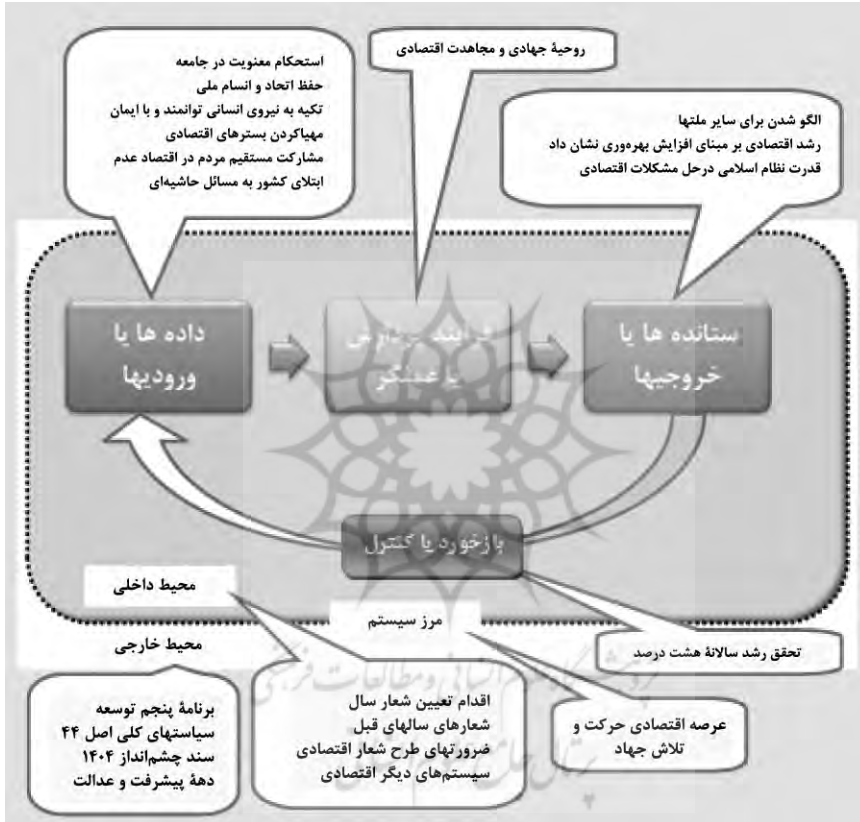
عدم غفلت از عرصه‌های دیگر:

«البته محوریت اقتصاد که من عرض کردم، به معنای غفلت از عرصه‌های دیگر تلقی نشود. در عرصه‌های دیگر، مخصوصاً در همان عرصه علم و فناوری، باید به این دانشمندان جوان کمک شود، به آنها اعتماد شود تا بتوانند کارهای بزرگ را انجام دهند» (۱۳۹۰/۱/۱)



الگوی مفهومی

مفاهیم، ابعاد و مولفه های مطرح شده در خصوص جهاد اقتصادی، که در قالب سیستمی ارائه شد و بیانگر نحوه ارتباط و تعامل این مفاهیم با یکدیگر بود، را می توان در قالب یک الگو و شکل به صورت زیر نشان داد. این روش ارائه الگو در روشن شدن بیشتر نحوه ارتباط اجزای سیستم موثر است.



نتیجه گیری

طرح شعار جهاد اقتصادی به عنوان شعار سال از سوی مقام معظم رهبری، علاوه بر گفتمان سازی و تجمیع امکانات و توانایی‌های کشور در یک راستا، برای مسئولان و متولیان اجرایی وظیفه عمل در راستای تحقق آن را ضروری می‌کند. واضح است که قبل از اقدام به عمل، بایستی ابعاد و زوایا و جوانب جهاد اقتصادی به درستی و به شیوه‌ای کارآمد توضیح و تبیین شود. این مقاله بهترین منبع شناخت و درک موضوع



جهاد اقتصادی را رهنمودهای و بیانات مقام معظم رهبری دانسته است و سعی کرده با استفاده از رویکرد سیستمی و روش تبیین سیستمی، به توضیح و تبیین رهنمودهای رهبر معظم انقلاب در خصوص جهاد اقتصادی بپردازد؛ چرا که این روش بر خلاف روش مرسوم؛ یعنی روش تحلیلی، مهم‌ترین مطالب در پدیده‌های اجتماعی؛ یعنی تعامل و تأثیرات متقابل پدیده‌های اجتماعی را نادیده نمی‌گیرد.

فرض پایه‌ای این نوشتار این بود که بیانات ایشان را می‌توان به عنوان یک سیستم کامل در نظر گرفت که ضمن دارا بودن تمامی بخشها و اجزای آن، دارای تعاملات و تأثیر و تأثرهای مهم و فراوان با سیستم‌های دیگر است. به همین منظور، مطالب بیان شده ذیل عناوین و اجزای سیستم پیشنهادی جهاد اقتصادی در قالب ورودی‌ها، خروجی‌ها، فرایند پردازش، شاخص بازخوردگیری و محیط سیستم جهاد اقتصادی ارائه شد. محیط سیستم جهاد اقتصادی و شرایط عمل این سیستم، مواردی از قبیل اهداف تعیین شعار سال، شعارهای سالهای قبل، اهداف و ضرورت‌های طرح شعار جهاد اقتصادی و فعالیتها و سیستم‌های دیگر اقتصادی مطرح در کنار سیستم جهاد اقتصادی همچون برنامه پنجم توسعه، سیاستهای کلی اصل ۴۴، سند چشم‌انداز و دهه پیشرفت و عدالت ارائه و توضیح داده شدند. ورودی‌های سیستم جهاد اقتصادی عبارتند از: استحکام معنویت در جامعه، عدم ابتلای کشور به مسائل حاشیه‌ای، حفظ اتحاد و انسجام ملی، تکیه به نیروی درونی و ذاتی، نیروی انسانی توانمند و با ایمان، و مهیا کردن بسترهای اقتصادی و مشارکت مستقیم مردم در اقتصاد.

خروجی‌های این سیستم نیز عبارتند از: نشان دادن قدرت نظام اسلامی در حل مشکلات اقتصادی، الگو شدن برای سایر ملتها و رشد اقتصادی بر مبنای افزایش بهره‌وری. به همین ترتیب، نحوه عمل و پردازش این سیستم نیز روحیه جهادی و مجاهدت بیان شد. ضمن اینکه شاخص عملکردی و بازخوردگیری سیستم جهاد اقتصادی، تحقق رشد سالانه هشت درصد بیان شد. در نهایت، نکات و تذکراتی که رهبر معظم انقلاب در خصوص شعار سال و موضوعات مربوط بیان کرده بودند، ارائه شد.



منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
- افرام البستانی، فواد(۱۳۷۵)، «المنجد ابجدی(فرهنگ الفبایی)»، مترجم رضا مهبیار، تهران، انتشارات اسلامی، چ دوم.
- حر عاملی، محمد بن حسن(۱۳۹۸ق) «وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه»، طهران، المكتبة الاسلامیه، چ پنجم.
- حق شناس، علیمحمد و همکاران(۱۳۸۷)؛ فرهنگ معاصر انگلیسی فارسی، تهران، فرهنگ معاصر.
- حقیقت، سید صادق(۱۳۸۷)؛ روش شناسی علوم سیاسی، قم، دانشگاه مفید، چ دوم.
- خسروی حسینی، سید غلامرضا(۱۳۸۳)؛ ترجمه و تحقیق مفردات راغب اصفهانی، [بی جا]، مرتضوی.
- رابینز، استیفن؛ (۱۳۸۴) «تئوری سازمان»، ترجمه سید مهدی الوانی و حسن دانایی فرد، تهران، صفار، چاپ دهم.
- رضاییان، علی(۱۳۷۵)؛ تجزیه و تحلیل و طراحی سیستم، تهران، سمت.
- زورق، محمدحسن(۱۳۸۶)؛ ارتباطات و آگاهی (مفاهیم، مبانی و روشها)، تهران، دانشکده صدا و سیما.
- شبر، سید عبدالله(۱۳۹۵ ق)؛ الاخلاق، قم، مکتبه بصیرتی.
- شهید ثانی، محمد بن جمال الدین مکی العاملی(۱۳۸۰)؛ روضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیة، [بی جا]، دار التفسیر اسماعیلیان.
- فرانکل، جوزف(۱۳۷۲)؛ نظریه معاصر روابط بین الملل، ترجمه وحید بزرگی، تهران، اطلاعات.
- فرشاد، مهدی(۱۳۶۲)؛ نگرش سیستمی، تهران، امیرکبیر.
- کلینی، محمد بن یعقوب(۱۳۶۲)، «کافی»، ج ۳، ترجمه جواد مصطفوی و هاشم رسولی، انتشارات علمیه اسلامیة.
- گلابی، سیاوش(۱۳۶۹)؛ توسعه منابع انسانی ایران، جامعه شناسی توسعه ایران، تهران، فردوس.
- محمدی ریشه‌ری، محمد(۱۴۲۲ ق)؛ میزان الحکمه، قم، دارالحدیث.
- مطهری، مرتضی(۱۳۶۸)؛ جهاد، تهران، صدرا.
- ورزشکار، احمد(۱۳۹۰)؛ «اسلایدهای تئوریهای مدیریت پیشرفته (نظریه سیستم)»، به نقل از وبسایت مدیریتی ایران: www.managerial.ir